

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
دوره جدید، شماره ۱۵ (پیاپی ۱۲) بهار ۸۳

همایی واژگانی در زبان فارسی\* (علمی - پژوهشی)

دکتر عبدالمهدی ریاضی  
دانشیار دانشگاه شیخا  
و  
فاطمه میهن خواه  
کارشناس ارشد دانشگاه شیخا

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، بررسی همایی واژگانی در زبان فارسی و در چهار گونه مختلف داستانی، روزنامه ای، علمی و آموزشی بوده است. همایی ها، ابتدا از منابع مختلف در چهار گونه زبانی استخراج و سپس ساختار آنها مشخص گردید. در این تحقیق، مشخص شده همایی ها بطور وسیعی در زبان فارسی بکار گرفته می شوند. چارچوب استفاده شده در این تحقیق، چارچوب ارائه شده توسط نیومارک (۱۹۸۸) است که براساس آن همایی ها از دو جهت همنشینی و جانشینی تقسیم شدند. در تقسیم بندی همنشینی، همایی ها به ترتیب حروف الفبا مرتب شده و فراوانی و درصد استفاده آنها در زبان فارسی تعیین گردید و از آزمون مجذور «خی» برای تعیین ساختارهای غالب استفاده شد. در این بخش (همنشینی)، ساختارهای «اسم + اسم»، «اسم + صفت»، «صفت + صفت» و «اسم + صفت» در هر چهار گونه زبانی بعنوان ساختارهای غالب تعیین شدند.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۳/۲/۱۹

\* تاریخ ارسال مقاله: ۸۲/۹/۹

در تقسیم بندی جانشینی ، همایی ها بر اساس مقوله های مختلفی چون اعضای بدن ، رنگ، زمان، خوردنی، اعداد و غیره تقسیم بندی شدند که در این قسمت نیز پرکاربردترین همایی ها از جهت جانشینی مشخص گردیدند.

**واژگان کلیدی:** واژگان در زبان فارسی ، همایی واژگانی .

### ۱- مقدمه

در هر زبانی تعدادی از واژه ها میل ترکیبی بیشتری با هم دارند . کودکان به هنگام یادگیری زبان مادری خود و زبان آموزان به هنگام یادگیری زبان دوم ، باید این گونه ترکیبها را فرا گیرند؛ تا در بکارگیری زبان توانا تر شوند . این گونه ترکیبها، عبارتهای ویژه ای هستند که کاربردهای آنها را نمی توان با توسل به تعمیم و قاعده های کلی بیان نمود. در زبان فارسی ، فرهنگی که این عبارتهای واژگانی را معرفی کند؛ وجود ندارد. اگر چه کلیه اطلاعات درباره تکیواژهها در دستور زبان گنجانده شده است ؛ اما برای همایی ها در دستور زبان قاعده ای وجود ندارد.

بطور کلی همایی واژگانی، عبارت است از همنشینی دو یا چند کلمه با هم، بطوری که استفاده از آنها برای گویشوران بومی مانند اجزای دیگر زبان عادی نماید. می توان گفت که در دهه های اخیر که آموزش واژه ها در زبان انگلیسی مورد توجه قرار گرفته؛ آموزش همایی ها (Collocations) نیز مورد توجه ویژه ای واقع شده است . در زبان انگلیسی، بواسطه سابقه زیاد آموزش این زبان ، تحقیقات بسیاری بر روی همایی ها انجام پذیرفته و فرهنگهای متعددی برای جمع آوری و دسته بندی آنها نگاشته شده است . افزون بر این ، تحقیقات زیادی جهت تعیین اهمیت کاربرد همایی ها و اینکه کدامیک از همایی ها بسامد بیشتری در زبان دارند؛ انجام شده است . همچنین درصد وجود همایی ها در بافت کلام و زبان روزمره نیز تعیین شده است . افزون بر این ، تحقیقات زیادی جهت تعیین اهمیت آموزش همایی ها را بصورت جداگانه به زبان

آموزان مشخص می کند. یک زبان آموز برای اینکه بتواند از زبان خارجی به بهترین وجه و بصورتی بسیار نزدیک به گویشوران بومی استفاده نماید؛ باید این ترکیبها را نیز مانند سایر بخشهای زبان همانند دستور زبان، واژه ها و اصطلاحات فرا گیرد. اما مورد مهمی که بطور کلی درباره یافتن همایی ها مطرح می شود؛ این است که چگونه می توان در زبان فارسی، همایی ها را از واژه های مرکب تشخیص داد.

## ۲- بحث

### ۲-۱- تشخیص همایی ها از واژه های مرکب

طبق گفته کلباسی (۱۳۷۱) واژه های مرکب، دارای خصوصیات زیر می باشند:

الف - واژه مرکب مانند واژه بسیط دارای یک تکیه است و جای تکیه، بسته به نوع دستوری کلمات متفاوت است. مانند «تلفنخانه» و «کتابفروش».

ب - درنگ میان اجزای واژه مرکب ممکن نیست اما در دو طرف آن درنگ امکان دارد. همان واژه تلفنخانه را در نظر می گیریم. در هنگام ادای کلمه نمی توان گفت تلفن، خانه.

ج - وابسته های دستوری و قاموسی مانند «ها»، «ترین»، «هر» و «بزرگ» بین اجزای واژه مرکب نمی آیند بلکه در آغاز و پایان آن قرار می گیرند. مانند کارخانه ها، خوش خدمت ترین، هر چهار راه، چلچراغ بزرگ. پس با توجه به این معیارها، می توان واژه های مرکب را از همایی ها بازشناخت.

### ۲-۲- همایی واژگانی

کریستال (Crystal, 1992)، همایی واژگانی را وقوع عادی واژه ها در کنار یکدیگر می داند. به گفته پیتیر نیومارک (Newmark, 1988)، همایی ها اقلام واژگانی هستند که عمدتاً دارای ساختار دستور زبانی با بسامد بالا در زبان می باشند. او معتقد است همایی های واژگانی در حکم عصبهای یک زبان می باشند، درحالیکه

دستور زبان، استخوانها و واژه ها، گوشت و تنه اش را تشکیل می دهند. کوایی (Cowie, 1981) نیز همایی ها را واحدهای مرکبی می داند که حداقل یکی از اجزاء تشکیل دهنده آنها قابلیت جانشینی دارد.

در کتاب هلیدی و حسن (Halliday & Hassan, 1976)، عوامل انسجام واژگانی (Cohesion Lexical) به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- تکرار (Repetition)

۲- هم معنایی (Synonym)

۳- همایی واژگانی (Collocation)

در این کتاب، در توضیح نقش همایی واژگانی جهت ایجاد انسجام واژگانی آمده است که نمونه های دیگری از انسجام واژگانی وجود دارند که به ارتباط نحوی بحث شده در بخشهای پیشین آن کتاب، وابستگی ندارند، بلکه بیشتر وابسته به اتحاد و شراکت کلمات برای ترکیب با هم می باشد که آنها را می توان همایی نام نهاد.

### ۲-۳- انواع همایی ها در زبان فارسی

بامقایسه ای میان زبان فارسی و زبان انگلیسی، می توان گفت که همایی های واژگانی در زبان فارسی نیز مانند زبان انگلیسی به دو نوع عمده قابل تقسیم می باشند:

۱- همایی های غیر اصطلاحی (non-idiomatic)

۲- همایی های اصطلاحی (idiomatic)

یادآوری این نکته ضروری است که همایی واژگانی، شباهتها و اختلافاتی نیز با اصطلاح و استعاره دارد. به گفته جولیا فالک (Falk, p.70)، «اصطلاح، زنجیره ای از واژه هاست که معنای کل آن را نمی توان از معنای تک تک تکواژه های سازنده اش بدست آورد و یادگیرندگان زبان باید آنها را به عنوان عناصر یکپارچه حفظ کنند». تقریباً هیچ قاعده ای وجود ندارد که یک زبان آموز بتواند اصطلاحات را بدون آنکه

قبلاً شنیده باشد، درک کند. سخنگویان یک زبان این قبیل صورتهای زبانی را به هنگام کاربردهای عادی زبان تولید نمی کنند، بلکه از فرمهای تولید شده قبلی عیناً استفاده می کنند.

همایی های غیر اصطلاحی به عبارتهایی گفته می شود که معنای هر عبارت را بتوان از معنای اجزای آن فهمید. مانند «دیریا زود» و «زمین و زمان». درحالیکه همایی های اصطلاحی، به عبارتهایی گفته می شود که معنای کلّ هر عبارت را نتوان از معنای اجزای آن فهمید. عبارتهایی همانند «دست و دل باز» از این گونه اند. معنای این عبارت که کنایه از شخص «بخشنده» می باشد؛ از معنای اجزای آن یعنی «دست»، «دل» و «باز» فهمیده نمی شود.

#### ۴-۲ - هدف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، بررسی همایی واژگانی در زبان فارسی است. به این منظور، همایی های واژگانی در چهارگونه مختلف زبان فارسی یعنی ادبی (داستانی)، روزنامه ای، آموزشی و علمی جمع آوری گردید. بطور مشخصتر و دقیقتر، این تحقیق برای پاسخ به سؤالات زیر انجام گرفت:

۱- ساختار همایی واژگانی در زبان فارسی چگونه می باشد؟

۲- آیا بین گونه های مختلف زبانی از نظر ساختار همایی ها، تفاوتی وجود دارد یا

خیر؟ اگر وجود دارد؛ این تفاوتها بیشتر در چه ساختارهایی می باشد؟

شاید این کار در نوع خود، اولین تحقیق تجربی (empirical research) در زمینه همایی واژه ها، در زبان فارسی باشد، زیرا مطالعه ای نظام مند از طریق جمع آوری و واکاوی اطلاعات، قبلاً در زبان فارسی صورت نگرفته است. بنابراین، نتیجه تحقیق حاضر می تواند کاربردهایی در آموزش و آزمون سازی زبان فارسی و همچنین در ترجمه داشته باشد.

ذکر این نکته لازم است که ما در این تحقیق با همایی هایی که در فارسی به آنها فعل مرکب می گوئیم ، به علت مطالعات فراوانی که در زبان فارسی برای بررسی و تقسیم بندی آنها انجام شده است ؛ کاری نداریم . افعال مرکب در زبان فارسی دارای ساختار پایه بعلاوه عنصر فعلی می باشند (مشکوة الدینی ، ۱۳۷۴). پایه ممکن است از گروه اسمی ، از گروه صفتی یا از گروه حرف اضافه ای باشد؛ مانند آتش گرفت ، فریب خورده است و به کار بردم . لذا در این تحقیق، مقوله افعال مرکب مد نظر نبوده است .

### ۲-۵ - چارچوب نظری تحقیق

برای واکاوی همایی واژه ها در زبان فارسی، از چارچوب ارائه شده توسط نیومارک (۱۹۸۸) استفاده شده است . براساس چارچوب نیومارک ، همایی ها از دو جهت قابل تقسیم می باشند : همنشینی (syntagmatic) و جانشینی (paradigmatic) در تقسیم بندی همنشینی، ساختار همایی ها رامشخص می کنیم. برای مثال، ممکن است ساختارهایی همانند «اسم + اسم»، «صفت + اسم» و غیره بدست آید. در تقسیم بندی جانشینی ، به دنبال این موضوع هستیم که در هر گونه زبانی، آیا همایی ها از نظر معنایی قابل تقسیم به مقوله هایی هستند یا خیر؟ در تحقیق حاضر، با استفاده از چارچوب نیومارک ، همایی های واژگانی در چهار گونه زبانی از نظر همنشینی و جانشینی مورد مطالعه قرار گرفت .

### ۲-۶ - روش تحقیق

#### ۱-۶-۲ - پیکره زبانی

پیکره زبانی در این تحقیق، متشکل از چهار گونه زبانی می باشد که این گونه ها عبارتند از:

۱ - گونه ادبی (داستانی)

۲ - گونه روزنامه ای

۳ - گونه علمی

## ۴- گونه آموزشی

برای یافتن همایی در گونه ادبی، شش داستان از جلال آل احمد، دو داستان از محمد علی جمالزاده و ده مقاله ادبی مورد بررسی قرار گرفتند. در گونه زبانی روزنامه ای، همایی ها در شانزده شماره از روزنامه های کثیرالانتشار مورد بررسی قرار گرفتند (اطلاعات کامل این منابع در پیوست الف آمده است). برای یافتن همایی های آموزشی نیز از کتب زبان و ادبیات فارسی و متون دوره های راهنمایی و دبیرستان استفاده شد. برای بررسی همایی ها در گونه علمی، از کتب علمی دوره های راهنمایی و دبیرستان استفاده شد.

## ۲-۶-۲- روش استخراج و دسته بندی همایی ها

در همه این گونه ها، ابتدا متون هر گونه مطالعه و کلیه همایی های یادداشت شد. پس از جمع آوری همایی ها، موارد تکراری که در برخی موارد بوفور یافت می شد؛ حذف گردید. پس از آماده شدن همایی ها در هر چهار گونه زبانی، ساختارهای کلیه همایی ها در جلو آنها نوشته شد. پس از این مرحله، همایی ها توسط برنامه ای به کامپیوتر داده شد. ابتدا همایی ها در هر چهار گونه و به ترتیب حروف الفبا مرتب شدند. سپس بر طبق چارچوب نیومارک (۱۹۹۸) در تقسیم بندی همیشینی (syntagmatic) در هر گونه فراوانی و درصد ساختارهای متفاوت محاسبه شدند. بعد از آن برای هر ساختار مجذور «خی» محاسبه شد.

با استفاده از مجذور «خی»، این مسأله مشخص می شود که آیا تفاوت بین ساختارهای مختلف همایی ها از نظر آماری معنی دار است یا نه؟ فراوانی، درصد و مجذور «خی» برای هر ساختار در گونه های مختلف، بصورت جدولی مشخص شده است که با توجه به نتایج بدست آمده در هر گونه، به تفسیر و توضیح آنها پرداخته می شود.

بعد از این مرحله بر طبق چارچوب نیومارک، همایی‌ها از نظر جانشینی (Pardigmatic) تقسیم بندی شدند.

## ۲-۲- نتایج و یافته‌ها

### ۱-۲-۷- یافته‌ها در تقسیم بندی همنشینی

در این تحقیق، نخستین یافته این بود که ساختار «اسم + اسم» بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهد و بجز در گونه علمی با ساختارهای پس از خود از نظر فراوانی و درصد اختلاف زیادی دارد. ساختارهای «اسم + اسم»، «اسم + صفت»، «صفت + صفت» و «صفت + اسم» در هر چهار گونه زبانی، ساختارهای غالب می‌باشند. اصطلاحات نیز در گونه های داستانی، روزنامه ای و آموزشی، درصد بالایی را به خود اختصاص داده‌اند. اصطلاح در گونه علمی وجود نداشت، شاید دلیل آن این است که مطالب علمی باید صریح و روشن بیان شوند؛ بگونه ای که هیچگونه ابهامی برای خواننده و یا شنونده بوجود نیآورند. از آنجا که اصطلاح معنی اولیه زنجیره کلمات نیست و گاهی حتی کوچکترین ارتباطی بین کلمات این زنجیره و معنای ثانوی آن وجود ندارد؛ زبان مناسبی برای بیان مطالب علمی نمی‌باشد. در گونه علمی، نسبت به سایر گونه‌ها، ساختارهای «اسم + اسم» و «اسم + صفت»، درصد های نزدیکتری به یکدیگر دارند. نتایج کلی و فراوانی و درصد ساختارهای غالب در چهار گونه زبانی در جدول ۱ ارائه شده است.



جدول ۱: ساختارهای مختلف در چهار گونه زبانی

نام گونه

ساختار	گونه داستانی		گونه روزنامه ای		گونه آموزشی		گونه عملی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اسم + اسم	۶۶۸	%۵۰/۴۹	۷۷۲	%۴۹/۶۸	۶۴۹	%۵۴/۳۱	۳۷۷	%۳۹/۶۴
اسم + صفت	۱۴۷	%۱۱/۱۱	۳۶۶	%۲۳/۵۵	۲۴۴	%۲۰/۴۲	۳۱۵	%۳۳/۱۲
صفت + اسم	۵۰	%۳/۸۷	۸۳	%۵/۳۴	۴۸	%۴/۰۲	۷۸	%۸/۲۰
صفت + صفت	۱۱۵	%۸/۶۹	۶۱	%۳/۹۳	۷۰	%۵/۸۶	۷۸	%۸/۲۰
اصطلاح	۲۳۵	%۱۷/۷۶	۶۸	%۴/۳۸	۷۸	%۶/۵۳	---	---
سایر ساختارها	۱۰۸	%۸/۱۶	۲۰۴	%۱۳/۱۲	۱۰۶	%۸/۸۷	۱۰۳	%۱۰/۸۳
جمع	۱۳۲۳	---	۱۵۵۴	---	۱۱۹۵	---	۹۵۱	---

بر اساس جدول ۱ می توان ترتیب اهمیت کاربرد ساختارهای غالب را در کل گونه ها به ترتیب زیر پیش بینی کرد.

جدول ۲: ترتیب ساختارهای غالب در کل گونه های زبانی

ساختار	فراوانی	درصد
اسم + اسم	۲۴۶۶	%۴۹/۰۹
اسم + صفت	۱۰۷۲	%۲۱/۳۴
اصطلاح	۳۸۱	%۷/۵۸

صفت + صفت	۳۲۴	۶/۴۵٪
صفت + اسم	۲۵۹	۵/۱۵٪

### ۲-۲-۲- یافته ها در تقسیم بندی جانشینی

در تقسیم بندی جانشینی ، همایی ها از نظر مقوله های اعضای بدن ، خوردنی ، نام حیوانات ، رنگها ، زمان ، اعداد و ترکیبهای هم معنی و متضاد تقسیم شدند . دو گونه روزنامه ای و آموزشی نیز حاوی ترکیبهایی است که آنها را بدلیل رواج بیش از حدشان پس از انقلاب ، همایی های انقلابی نامیده ایم . نتایج بدست آمده در این بخش رامی توان با توجه به میزان کاربرد هریک از انواع همایی ها ی جانشینی درکُلّ گونه ها در جدول زیر خلاصه کرد.

جدول ۳: میزان همایی ها از نظر جانشینی در چهار گونه زبانی

داستانی		روزنامه ای		آموزشی		علمی	
ترکیب	فراوانی	ترکیب	فراوانی	ترکیب	فراوانی	ترکیب	فراوانی
اعضای بدن	۱۹۳	هم معنی	۹۷	هم معنی	۱۱۴	اعضای بدن	۲۳
هم معنی	۱۶۴	اعضای بدن	۶۲	اعضای بدن	۹۰	متضاد	۳۲
متضاد	۶۸	انقلابی	۳۳	متضاد	۵۰	هم معنی	۲۹
زمان	۳۴	زمان	۲۹	انقلابی	۳۴	خوردنی	۲۹
خوردنی	۲۵	متضاد	۲۶	زمان	۲۶	زمان	۲۵
حیوانات	۱۹	خوردنی	۱۹	خوردنی	۱۸	حیوانات	۳

۳	اعداد	۱۳	اعداد	۱۱	اعداد	۱۳	رنگها
۲	رنگها	۱۱	حیوانات	۲	حیوانات	۸	اعداد
--	انقلابی	۷	رنگها	۲	رنگها	--	انقلابی

در دو گونه داستانی و علمی، اعضای بدن و در گونه های روزنامه ای و آموزشی، ترکیبهای هم معنی اولین مرتبه را دارا می باشند. در دو گونه اخیر، اعضای بدن در رتبه دوم قرار دارند. در همه گونه ها تعداد ترکیبهای هم معنی، بیشتر از تعداد ترکیبهای متضاد هستند، بجز در گونه آموزشی، که تعداد ترکیبهای متضاد بیشتر از ترکیبهای هم معنی است. همایی های انقلابی در گونه روزنامه ای در مرتبه سوم و در گونه آموزشی در مرتبه چهارم قرار دارند. زمان در گونه های داستانی در مرتبه چهارم و در گونه های آموزشی و علمی در مرتبه پنجم قرار می گیرد. خوردنیها در دو گونه روزنامه ای و آموزشی هم رتبه و در مرتبه ششم قرار دارد. حیوانات در گونه های داستانی و علمی و نیز در گونه های روزنامه ای و آموزشی، جایگاههایی شبیه به یکدیگر دارند. رنگها نیز در گونه های روزنامه ای، آموزشی و علمی در آخرین مرتبه و در گونه داستانی در مرتبه یکی به آخر قرار دارند. اعداد در سه گونه روزنامه ای، آموزشی و علمی، شبیه به یکدیگر و در گونه داستانی در رتبه آخر می باشد. همایی های انقلابی در دو گونه روزنامه ای و آموزشی در رتبه های سوم و چهارم قرار دارند.

در مجموع، نتایج جدول ۳ را می توان در جدول ۴ خلاصه کرد:

جدول ۴: میزان ترکیبهای جانشینی در کل گونه ها

ترکیبهای جانشینی	فراوانی	درصد
هم معنی	۴۰۴	۳۰/۵٪
اعضای بدن	۳۷۸	۲۸/۵٪
متضاد	۱۷۶	۱۳/۲٪

زمان	۱۱۴	٪۸/۶
خوردنی	۹۱	٪۶/۸
انقلابی	۶۷	٪۵
حیوانات	۳۵	٪۲/۶
اعداد	۳۵	٪۲/۶
رنگها	۲۴	٪۱/۸
کُلّ	۱۳۲۴	٪۱۰۰

### ۳- نتیجه

بطور کلی، در تقسیم بندی همنشینی از بین ساختارهای غالب، ساختار «اسم + اسم» بیشترین کاربرد و ساختار «صفت + اسم»، کمترین کاربرد و در تقسیم بندی جانمایی، همایی های هم معنی بیشترین کاربرد و همایی های رنگها کمترین کاربرد را دارند. افزون بر این، می توان گفت که سه گونه داستانی، روزنامه ای و آموزشی بیشتر به یکدیگر شباهت دارند تا گونه علمی، درهمه گونه ها، ساختار «اسم + اسم» با مرتبه بعدی خود «اسم + صفت» تفاوت زیادی دارد که این تفاوت در گونه علمی بسیار کمتر می باشد. همچنین ساختارهای «صفت + اسم»، «صفت + صفت» در این گونه هم رتبه می باشند. عدم وجود اصطلاح در این گونه علمی، آن را بصورت قابل توجهی از سایر گونه ها متمایز نموده است. علاوه بر این، تعداد کُلّ همایی های یاد شده در گونه علمی، کمتر از سایر گونه ها می باشد.

### ۱- ۳- کاربرد نتایج در آموزش

در زبان انگلیسی، در بسیاری از تحقیقات ثابت شده که آموزش همایی ها بصورت جداگانه لازم و ضروری می باشد. در زبان فارسی نیز می توان گفت با توجه به تعداد زیاد همایی ها درهمه گونه های زبانی، آنها را باید به زبان آموزان خارجی بطور

جداگانه آموزش داد. این آموزش، می تواند از نظر همنشینی یا جانشینی باشد. ممکن است یک خارجی زبان خود بخود نتواند از ترکیبهای همانند «داد و فریاد»، «دامان طبیعت» و «نفس عمیق» استفاده کند. برای مثال، هنگام برخورد با همایی «داد و فریاد»، داد را در معنای فعلی آن در نظر می گیرد، یا در مورد ترکیب «دامان طبیعت» با توجه به اینکه جزء اول این ترکیب نام نوعی پوشش می باشد؛ فهم آن را دچار مشکل می سازد. ممکن است با توجه به کاربردهای خاص واژه «عمیق»، ترکیبهای همانند «نفس عمیق» در زبان برای یک خارجی زبان قابل تولید یا حتی قابل فهم نباشد. البته نحوه آموزش همایی های قابل بحث است.

افزون بر این، اگر زبان آموز باید زبان تخصصی را فرا گیرد؛ بهتر است همایی های آن گونه زبانی را بصورت جداگانه بیاموزد. می توان گفت که یادگیری همایی ها، نقش بسیار مهمی در بسندگی زبان فارسی دارد و به نظر می رسد در آموزشهای نوین، باید جایی برای این مبحث بصورت جداگانه باز شود.

### پی نوشتها

پیوست الف - فهرست منابع گونه داستانی

۱- مدیر مدرسه جلال آل احمد

۲- از رنجی که می بریم جلال آل احمد

۳- سرگذشت کندوها جلال آل احمد

۴- پنج داستان جلال آل احمد

۵- خسی درمیقات جلال آل احمد

۶- زن زیادی جلال آل احمد

۷- یکی بود و یکی نبود محمد علی جمالزاده

۸- زمین، ارباب، دهقان، محمد علی جمالزاده

- ۹- نگاهی به شعر معاصر، پروین تاجبخش - نشریه آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۴۴.
- ۱۰- فایزوشروه خوانی در مناطق جنوب، دکتر فرهاد گرگین پور- نشریه آموزش زبان و ادب فارسی شماره ۴۶.
- ۱۱- یاد یاران، دکتر حسن ذوالفقاری - نشریه آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۴۶.
- ۱۲- پرواز تا سیمرخ، دکتر احمد محمدی- نشریه آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۳۴.
- ۱۳- نظامی شاعر بزم پرداز، دکتر اسماعیل حاکمی- نشریه آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۲۵.
- ۱۴- مخزن الاسرار، افشاگر راز نظامی، روح ... هادی- نشریه آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۲۵.
- ۱۵- تجدد و روایت آثار صادق چوبک، رضا براهنی - نشریه آدینه، شماره ۱۲۸.
- ۱۶- گمشدگان لب دریا، محمود شاهرخی - نشریه کیهان فرهنگی، شهریور ۷۰.
- ۱۷- درآمدی برداستان نویسی نو در مصر، رضا ناظمیان- نشریه کیهان فرهنگی، آذرماه ۷۱.
- ۱۸- کاربرد زبان گفتاری، قهرمان شیری- نشریه رشد ادب فارسی، شماره ۳۹.

### منابع و مآخذ

#### منابع فارسی

- ۱- کلباسی، (ایران (۱۳۷۱). ساخت اشتقاقی واژه در زبان فارسی امروز . تهران : انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۲- مشکوة الدینی ، مهدی (۱۳۷۴). دستور زبان فارسی برپایه نظریه گشتاری . مشهد : انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

#### منابع انگلیسی

- 1-Baltova, I. (1994). "A word on collocation in English and Bulgarian". *Contrastive Linguistics*, 19 ( 5 ), 71-75
- 2-Falk, J. O. *Linguistics and Language*. NY: John Wiley & Sons, Inc.
- 3-Halliday M. & R. Hassan.( 1976). *Cohesion in English*. UK: Longman.
- 4-Newmark, P. (1988). *Approaches to Translation*. Singapour: Printice Hall.
- 5-Smadja, F. (1994). "Retrieving Collocations from Text". In S. Armstrong. Ed. *Using Large Corpora*. Cambridge: MA: MIT Press. 143-177

